

فعالیت‌های بانوان شیعه قرن چهارم هجری در تثبیت و تعمیق علوم و فرهنگ در تمدن اسلامی



خدیجه احمدی بیغش *

مقاله مروری

دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳
پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

doi: 10.22034/JKSL.2022.326064.1062

چکیده

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ به این پرسش است که زنان شیعه‌ی قرن چهارم هجری، یعنی دوران طلایی اسلام، چه نقشی در گسترش علوم فرهنگ تمدن اسلامی داشته‌اند. از آن‌جا که فرهنگ‌سازی محدود به قشر خاصی نیست، زنان به عنوان نیمی از اجتماع، در ایجاد آن نقش‌آفرین هستند. بانوان با توجه به جایگاه تربیتی خویش و آموزه‌های تشیع در تمامی ابعاد گوناگون علمی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تاریخ شیعه، به عنوان ادامه دهنده و تجلی اسلام راستین بعد از پیامبر ﷺ همواره در تثبیت و تعمیق علوم اسلامی و اشاعه‌ی فرهنگ شیعی نقش مؤثر داشته و در برخی مراحل سرنوشت‌ساز شدند. سده‌ی چهارم هجری - که هم زمان با حکومت‌های شیعی، از جمله: آل بویه، فاطمیان و حمدانیان و هم دوره با خلافت اهل سنت در حکومت عباسیان بود - فعالیت‌های گسترده‌ی مثبت مستقیم یا غیر مستقیم بانوان شیعه در گسترش علوم اسلامی را شاهد هستیم. مهم‌ترین نقش زنان این قرن در عرصه‌های علمی، سیاسی، اجتماعی فرهنگی و به شیوه‌ها و قالب‌های متعدد بوده است.

واژگان کلیدی: بانوان، سده چهارم هجری، قرآن، علوم اسلامی، گسترش، فرهنگ، تمدن

اسلامی

صفحه: ۱۲۲ تا ۱۴۰

* سطح چهار تفسیر تطبیقی، موسسه آموزش عالی حوزوی کوثر، تهران، ایران
Kh.ahmadi3103@yahoo.com

مقدمه

با ظهور اسلام، شخصیت زن و جایگاه او ارتقا و تغییرات بنیادین پیدا کرد، که در مقایسه میان شرایط قبل و بعد از اسلام و نیز مطالعه‌ی جایگاه ایشان در ملل و ادیان دیگر، قابل درک است. آیات متعدد قرآن کریم، جایگاه با عظمت زن را در نظام خلقت از منظر دین اسلام بیان می‌دارد. از جمله آیه: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً» (نساء: ۱). مذهب تشیع برای بانوان جایگاه ویژه قائل بوده و این جایگاه را با در نظر گرفتن نقش‌های متعدد پیدا و پنهان ایشان در زندگی فردی و اجتماعی ارتقا داده است. این منزلت در مذهب تشیع، موجب گشته بانوان را در تغییر سرنوشت خود و بشریت مؤثر دانسته و ایشان را در این امر تمدنی نیز سهیم و مسئول بدانند. از این رو در مقاطع گوناگون و در قرون متمادی شاهدیم، بانوان در عرصه‌های مختلف رشد کرده‌اند. این مسئله با تمسک به سیره‌ی عملی اهل بیت (علیهم‌السلام) همچون حضرت زهرا (علیها‌السلام) و حضرت زینب (علیها‌السلام) در والاترین مراتب تفکر توحیدی ارتقا یافته و در بحرانی‌ترین لحظات تاریخ بشریت جلوه نموده است، به گونه‌ای که نه تنها برای زمان ایشان، بلکه در قرن‌های مختلف نیز شاهد احیا و گسترش فرهنگ تمدنی تشیع توسط بانوان بسیاری هستیم. بانوان در عرصه‌های گوناگون علمی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... در راه گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی به صورت کاملاً محسوس مشارکت داشته‌اند. از قله‌های اوج نقش‌آفرینی بانوان مکتب تشیع، می‌توان به حضور بانوان در قیام عاشورا و ابلاغ پیام انقلاب امام حسین (علیه‌السلام)، برگزاری عزاداری ائمه (علیهم‌السلام) در سایر عصرها و دیگر موارد اشاره نمود، که از عوامل مهم و تأثیرگذار در بصیرت‌بخشی و نشر و گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی و شیعی، محسوب می‌شود.

سده‌ی چهارم هجری (شامل دهه‌های ۳۱۰ تا ۳۹۰) به عنوان یکی از طلایی‌ترین مقاطع تاریخ و از دوران‌های اوج جلوه‌گری در زمینه‌های مختلف رشد علمی، فکری و فرهنگی تمدن اسلامی به شمار می‌رود. بررسی تاریخی حکومت‌های حاضر در قرن چهارم، حکایت از تأسیس دولت‌های بزرگ شیعی در این قرن دارد که مهم‌ترین نقش را در گسترش علوم، فرهنگ و تمدن اسلامی، به ویژه نهان نمودن مظاهر شیعه دارا می‌باشد (کرمر، ۱۳۷۵، ۲۹؛ کاهن، ۱۳۸۳، ۱۵۶). بانوان متعددی در این قرن در زمینه‌های مختلف علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... به تلاش و فعالیت مؤثر و ماندگاری پرداخته‌اند، اما بنابر



ادله‌ی گوناگون، بسیاری از این تلاش‌ها ثبت و ضبط نشده و موجب عدم دسترسی ما به تمامی تلاش‌ها و زحمات این بانوان فعال در قرن‌های مختلف از جمله سده‌ی چهارم گشته است.

پیشینه تحقیق

بانوان بخش مهمی از پیکره‌ی جامعه را به خود اختصاص داده‌اند. به گونه‌ای که نقش‌ها و تأثیرات بسیار آن‌ها را در طول تاریخ بشریت نمی‌توان نادیده گرفت. از این رو فعالیت‌های زنان همواره مورد توجه خاص اندیشمندان و محققان در قرون گوناگون بوده است. از جمله تحقیقات در این زمینه عبارتند از:

کتاب اصول و پایه‌های تمدن اسلامی نوشته محمد تقی مدرسی (بی‌تا)، تنها به بررسی اصول اساسی تمدن اسلامی پرداخته است.

کتاب تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، یا رنسانس اسلامی، نوشته آدم متز (۱۳۶۲) مفهوم تمدن اسلامی و یا همان رنسانس اسلامی را مورد بررسی قرار داده است.

مقاله خدمات مسلمانان به علوم در رنسانس اسلامی (برگرفته از طرح پژوهشی تمدن اسلامی در مواجهه با مغرب زمین)، نوشته مسعود صدقی، نشریه مطالعات علوم انسانی (۱۳۸۵)، به بررسی خدمات علمی و فرهنگی مسلمانان بین سده نه تا پانزدهم میلادی پرداخته است.

مقاله نقش زنان در بیداری اسلامی، نوشته فاطمه وکیل کنیز، مجله تحلیل‌های سیاسی (۱۳۹۱)، به فعالیت‌های مؤثر بانوان در طول تاریخ در گسترش بیداری اسلامی پرداخته است.

مقاله نقش زن در گذر تاریخ (نقش زن قبل از ظهور اسلام نقش زن بعد از ورود اسلام)، نوشته فهیمه زهرایی، مجله دانش معرفت (۱۳۹۵)، در این نوشتار ضمن بیان آیاتی درباره زن و ارزش و اهمیت او، به جایگاه زن در طول تاریخ که به دو دوره قبل از اسلام یعنی دوره جاهلیت و بعد از اسلام تقسیم می‌شود، پرداخته شده است.

مقاله نقش آفرینی بانوان شیعه در گسترش علوم اسلامی بعد از انقلاب اسلامی، نوشته مریم توانایی، مجله بیداری (۱۳۹۹)، به فعالیت‌های زنان شیعه در بعد از انقلاب اسلامی پرداخته است.

مقاله: بررسی نقش زنان در عصر صفوی، نوشته رضا بیطرفان، سایت راسخون (۱۳۹۲).

به نقش‌های مختلف بانوان در عصر صفوی اشاره داشته است.

و نگاشته‌های بی‌شمار دیگر. اما نوشته‌ای که به طور مشخص تحقیق و پژوهش فعالیت‌های متعدد علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... با رویکرد تمدنی بانوان را در قرن چهارم هجری مورد بررسی قرار دهد، یافت نشد. اما این تحقیق به منظور تبیین بهتر نقش بانوان سده چهارم هجری، در گسترش علوم و معارف اسلامی و نشر تمدن شیعی، ابتدا فضایی از سه حکومت مستقر در این قرن را تشریح نموده است، تا از رهگذر این تبیین، جایگاه و فعالیت‌های مؤثر بانوان بهتر و بیشتر آشکار گردد.

۱. بسترهای حکمرانی سده چهارم

عصر زرّین علم و دانش، پژوهش، فرهنگ و تمدن جهان اسلام، لقبی است که اندشمندان بزرگ برای سده‌ی چهارم هجری در نظر گرفته‌اند. چرا که در این عصر، علوم و فنون بسیاری نشر و گسترش یافت. فضای حاکم بر این قرن، هم‌زمان با حکمرانی سه حکومت اسلامی آل بویه، فاطمیان، حمدانیان و عباسیان، بوده است (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۴، ۱۵۰).

اولین حکومت اسلامی حاکم در این عصر، حکومت آل بویه شیعی است که در فاصله بین سال‌های ۳۲۲ تا ۴۴۸ بر بخش بزرگی از ایران، عراق و شام فرمانروایی کردند. آنان تلاش و اهتمام بسیاری در رشد، تقویت و رونق علوم و معارف امامیه داشته‌اند (ابن اثیر، ۱۹۸۹، ج ۵، ۳۳۱). عصر آل بویه که «رنسانس اسلامی» نیز نام گرفته، عظمت و شکوفایی فرهنگ و علوم اسلامی را در پی داشته است (ایوب، ۱۹۹۷، ۱۶۹؛ امین، ۲۰۰۲، ج ۱۶، ۳۳۴).

با به قدرت رسیدن حکومت آل بویه، فعالیت‌های گسترده‌ی ایشان در نشر و اشاعه‌ی علمی - فرهنگی اسلام نمایان شد. حکومت آل بویه در قالب فعالیت‌های مختلف، درصدد بود تا پایه‌های علمی بر اساس فرهنگ و تمدن اسلامی شیعی را پایه‌ریزی نماید، به گونه‌ای که تمامی ابعاد محتوایی و ساختاری را در برگیرد. با تلاش حکمرانان دانش دوست این سلسله، مراکز آموزشی و پژوهشی فراوانی مانند کتابخانه‌های عظیم و مدارس تأسیس شد و امکانات مادی و معنوی بسیاری در این مسیر صرف گشت. در دوران مذکور، مؤسسات و مراکز علمی، فرهنگی و دینی دیگری هم با عنوان دارالعلم تأسیس شد که داشتن کتاب و کتابخانه برای پیشبرد و تسهیل امور آن‌ها ضروری می‌نمود.

هزاران جلد کتاب در کتابخانه‌ها و دارالعلم‌های آن روزگار وجود داشت که مشتمل بر



علوم و معارف متعدد اسلامی بود و سبب گشت تا بر تعداد علما و دانشمندان و خدمات ارزشمند ایشان افزوده گشته و در نتیجه نشر و گسترش علوم و معارف اسلامی را در برداشته باشد (ابن العماد الحنبلی، ۱۹۹۸، ج ۳، ۱۰۴).

دومین حکومت مقتدر در این قرن، حکومت فاطمیان است که در سال‌هایی میان ۲۹۷ تا ۵۶۷ قمری بر مناطق وسیعی از سرزمین‌های غرب جهان اسلام (سراسر شمال آفریقا) حکومت نمودند (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ۲، ۶۵۸). فاطمیان خاندانی پیرو مذهب تشیع و بنیان‌گذار فرقه اسماعیلی بودند. وسعت خلافت فاطمیان در ابتدا محدود به مغرب اسلامی بود. اما آنان با فتح مصر پس از شصت سال، نفوذ قلمرو خود را تا حوالی شام و یمن و حتی بخش‌هایی از حجاز گسترش دادند. شاید این فتح و تسلط را بتوان فرصت مناسبی برای نشر و گسترش علوم، معارف، فرهنگ و تمدن اسلامی و شیعی دانست. همچنین توجه ویژه فاطمیان به علم و دانش در طول سه سده حکمرانی آنان، موجب شکوفایی علم و دانش و تمدن اسلامی گشت. دانشمندان علوم مختلف، با حمایت‌های مادی و معنوی خلفای فاطمی موفق شدند، دستاوردهای بی‌شمار و ماندگاری را تقدیم جامعه نمایند. از این رو منطقه شمال آفریقا، مغرب اسلامی و مصر در دوران حکومت فاطمیان به بزرگ‌ترین و محوری‌ترین کانون علمی جهان اسلام مبدل شد. تأسیس نهادهای علمی همچون: جامع الازهر، مراکز دارالحکمه، کتابخانه‌ها، رصدخانه‌ها، و... از جمله فعالیت‌های این دوره در گسترش و رونق دانش اسلامی بود (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲، ۳۳۰؛ اتابکی، ۱۳۸۳، ج ۴، ۱۰۱). هرچند این مراکز در اصل به تعلیم مکتب تشیع اسماعیلی پرداختند، ولی به دلیل تسامح مذهبی و شهرت بسیار در جهان اسلام، دانشمندان اهل سنت هم در آن به فعالیت‌های علمی مشغول بودند (صنهاجی، ۱۳۷۸، ۶۴؛ جوینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ۱۷۷؛ چلونکر، ۱۳۹۰، ۲۶).

دولت شیعی مذهب حمدانیان، از جمله دولت‌های دیگری بود که در این عصر توانست همپای دولت‌های مذکور در زمینه‌ی گسترش و شکوفایی فرهنگ و ادب هم‌آوردی کند و خوش بدرخشد. حکومت حمدانیان، شیعی دوازده امامی و حاکم بر موصل و حلب در سال‌های ۳۳۳ تا ۳۸۹ بودند. درج اسامی پنج تن علیهم‌السلام بر روی سگه‌ها و ساخت حصار و قبه بر مزار امام علی علیه‌السلام از جمله فعالیت‌های دیدنی و مؤثر این دوره بود. شخصیت ادب دوست حکمای حمدانی، علم دوستی و دانش پروری حاکمان حمدانی، موقعیت شهر حلب و حضور ادبا و شاعران بزرگ در دربار حمدانیان، از جمله مصادیقی از شکوفایی و ترسیم اوضاع

فرهنگی در این دوره است. در این سلسله ادبیات از غنای چشم‌گیری برخوردار گشت، از این رو حکومت حمدانی، حکومت شعر و جنگ نام گرفت. فعالیت‌های علمی علما و دانشمندان حکومت حمدانی تنها در ادبیات نبود، بلکه در علوم چون لغت، نحو، خطابه، علوم عقلی، طب و نجوم نیز متخصصین بسیاری را تربیت نمود، که در سایه‌ی آن دستاوردهای بسیاری را در زمینه‌های مختلف، تقدیم نشر و گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی داشتند. (محلای، ۱۳۶۸، ج ۳، ۱۴۳؛ مدنی کاشانی، ۱۳۸۶، ج ۱، ۲۱).

حکومت‌های این قرن، منحصر در حکومت‌های شیعی نبوده، بلکه حکومت‌هایی چون عباسیان از اهل سنت نیز مستقر بودند که بخش‌های وسیعی از بغداد را در فاصله بین سال ۱۳۲ تا ۶۵۶ در دست داشتند، البته قدرت حکومت عباسیان در این قرن رو به افول بود (رمضان، ۱۹۹۳، ۳۳۳؛ نوبختی، ۱۳۸۶، ۶۱). بانوان اهل سنت این دوره نیز مانند: صبیحه همسر مستنصر بن عبدالرحمن، ارجوان مادر المقتدی بالله و قطر الندی - اسما دختر ابو الجیش (لسان الملك، ۱۳۸۴، ج ۲، ۳۲) گرچه خدمات بسیاری را دوشادوش مردان در این عصر داشته‌اند، اما با توجه به آن‌که رویکرد این تحقیق معرفی و پرداختن به فعالیت‌های بانوان شیعه سده چهارم در گسترش و رونق علوم و فرهنگ و تمدن اسلامی است، صرفاً به معرفی نقش زنان این دوره در حکومت‌های شیعه اکتفا شده است. زنان شیعه این قرن، تأثیر بسیاری در گسترش و رونق علوم و معارف اسلامی ایفا کردند. به گونه‌ای که فعالیت‌های ایشان را می‌توان در دسته بندی‌های زیر ارائه نمود:

۱. عرصه علمی

روی کار آمدن حکومت‌های شیعی در قرن چهارم، فرصت و زمینه‌ی مناسبی را ایجاد نمود تا قوای علمی شیعه تجدید گردد. از مهم‌ترین حکومت‌های شیعه، حکومت آل بویه در بغداد بود. ترس و وحشت خلفای وقت از به قدرت رسیدن ائمه علیهم‌السلام و شیعیان و جنگ‌های متعدد و گسترده‌ای که در قرون صدر اسلام علیه شیعه وارد آمد موجب شد، در این قرون شاهد نایاب شدن بیشتر مصادر و اندیشه‌های شیعی (احادیث ائمه علیهم‌السلام شیعه و...) باشیم. در نتیجه این منابع و مصادر به صورت تدریجی و در طول زمان، از دسترس خارج شد و تفکر شیعی از منابع آموزشی، علمی و فرهنگی کم رنگ یا حذف گردید. بنابراین شیعیان در این قرون، نهایت تلاش خویش را به کار بردند تا معارف و تفکرات خویش را به شیوه‌ی تقیه‌ای و در اختفا، کامل نموده و به نسل‌ها و قرون بعدی منتقل کنند و در این مسیر از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کردند. با این وجود، تداوم منع نقل و انتقال معارف



تشییع، موجب شد که این مذهب را در حد اندیشه‌ی فرقه‌ای و غیر بارور، متوقف کرده و مانع پویایی آن شوند و توان مقابله با فرقه‌های انحرافی را از آن سلب کنند.

قدرت گرفتن حکومت‌های شیعی در حدود قرن چهارم موجب شد دوره فترت برای عالمان مذهبی پدید آید. علما و دانشمندان شیعی مذهب، این امکان و فرصت را یافتند تا در فضایی مغتنم و مناسب با بهره‌مندی از منابع و مصادر شیعه، آرا و افکار آن را نشر و گسترش دهند. به عنوان نمونه به نقل احادیث و روایات اهل بیت علیهم‌السلام با قدرت ویژه پرداخته، مباحث فقهی و کلامی حقیقی مذهب تشییع را بازگو نمایند و گرد و غباری که بر این معارف در طول قرون گذشته نشسته بود را بزدایند. و با ایجاد فضایی با امنیت، برای نشر و گسترش معارف، فرهنگ و تمدن شیعه، زمینه را برای جذب نیروهای جدید فراهم نمایند.

از آن‌جا که در تاریخ اسلام، زنان نیز چون مردان به توصیه و سفارش معصومان علیهم‌السلام در آموختن معارف دینی همت گماشتند؛ لذا تاریخ زنان عالم و دانشمند مسلمان، قدمت هزاران ساله دارد که موثرخان، گوشه‌هایی از آثار و خدمات ارزشمند علمی آنان را ثبت نموده‌اند. فعالیت علمی بانوان سده چهارم هجری نیز در این میان به خوبی ملموس است، چرا که با وجود موانع و سختی‌های فرهنگی - اجتماعی روزگار خود، دست از تلاش برنداشته و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، قدم‌های مؤثری را در مسیر علمی - اسلامی شیعه برداشته‌اند که تا قرن‌ها به خوبی قابل درک است. عرصه علمی، به لحاظ کمی و کیفی، گسترده‌ترین عرصه از فعالیت‌های بانوان در قرن چهارم هجری به شمار می‌رود. برخی از بانوان فعال در عرصه علمی سده چهارم عبارت است از:

۱-۱- ام کلثوم عمروی

از جمله فعالیت مهم علمی بانوان در این قرن، روایت حدیث اهل بیت علیهم‌السلام و نشر و گسترش معارف شیعی از این طریق بوده است. ام کلثوم عمروی، دختر دومین نایب خاص حضرت ولی عصر علیه‌السلام در غیبت صغری است. ام کلثوم دختر محمد بن عثمان بن سعید عمروی روایی، راوی حدیث و از زنان فاضل، زاهد، با تقوی و کمالات زنان خویش بوده است. شیخ طوسی به اسناد خود از هبة الله بن محمد، نوهی ام کلثوم از وی روایت می‌کند که: «حسین بن روح سال‌های زیادی وکیل محمد بن عثمان عمری بود و بر اموال وی نظارت داشت و بزرگان شیعه را از اسرار او آگاه می‌کرد.» (طوسی، بی تا، ۳۲) ام کلثوم از پدرش محمد بن عثمان و سومین نائب خاص امام زمان علیه‌السلام در زمان غیبت

صغری، یعنی حسین بن روح نوبختی و همین‌طور ابو نصر هبة الله ابن محمد نوه‌اش از وی نقل روایت کرده است (ابن اثیر، ۱۹۸۹، ج ۹، ۱۳۲). از ام کلثوم عمری روایت است: یکی از اوقاتی که اموالی را از قم و نواحی آن برای پدرم به بغداد آوردند تا آن را بدست حضرت حجت علیه السلام برساند، وقتی قاصد و حامل اموال آن را تحویل داد و عزم مراجعت کرد، پدرم به او گفت: همراه این اموال چیز دیگری هم بوده، که تحویل داده نشده است! قاصد گفت: ای مولای من! هرچه آورده بودم آن را تحویل دادم. ولی پدرم گفت: چنین نیست، برگرد و در اثاث خود جستجو کن! آن مرد برگشت اموال و اثاث خود را کاوید، اما چیزی نیافت، نزد ابوجعفر برگشت و گفت: چیزی پیدا نکردم. پدرم گفت: نزد ثوبان پنبه فروش که دو عدل پنبه برای او آورده‌ای برو، فلان عدل پنبه را باز کن، دو دست لباس بین آن خواهی یافت، روی آن هم نامه‌ای هست و در آن نامه چنین مطالبی نوشته شده است! آن مرد همین دستور را عملی کرد، لباس‌ها و نامه را یافت و آن را تحویل ابو جعفر داد و گفت: کاملاً فراموش کرده بودم، زیرا این کار را برای محکم کاری و محفوظ ماندن لباس‌ها انجام داده بودم. آن مرد وقتی چنین کرامتی را مشاهده کرد، که جز از پیامبر صلی الله علیه و آله یا امامی سر نمی‌زند، به ارزش، اهمیت، صداقت و امانتداری ابو جعفر، ایمان بیشتر آورد و آن داستان عجیب و فوق العاده را پیوسته برای دیگران بازگو می‌کرد (صادقی اردستانی، ۱۳۷۵، ۲۴۳).

۱-۲- رقیه دختر اسحاق بن کاظم علیه السلام

بانوی دیگری که در نشر و گسترش آموزه‌های اصیل شیعی نقش مهمی را ایفا نموده، رقیه خاتون دختر اسحاق بن کاظم علیه السلام است. ایشان بانویی صاحب فضل و جلال و از راویان احادیث شیعه محسوب می‌شود. روایت احادیث اهل بیت علیهم السلام توسط وی، حکایت از جایگاه علمی و مورد وثوق بودن ایشان در آن دوران است. از محمد بن احمد بن علی اسدی نقل است: «رقیه دختر اسحاق ابن موسی بن جعفر علیه السلام برای من حدیث کرد که پدرم اسحاق از پدرش امام باقر از پدرش زین العابدین از پدرش حسین بن علی از پدرش امیر المؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرد که: در روز قیامت قدم هیچ بنده از جایی به جایی نرود تا از چهار چیز از او پرسش شود؛ یکی از عمر او که در دنیا چه چیز به پایان رساندی و از جوانی او که در چه چیز فرسوده ساختی و از مال او که از چه راه بدست آوردی و از دوستی ما اهل بیت علیهم السلام» (ابن بابویه، ۱۳۸۲، ۱۷۱ - مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۴، ۱۱۳). نقل روایات اخلاقی - اعتقادی از جمله روایات وارده از این بانوی بزرگ است. این بانوی محدّثه سرانجام در سال ۳۱۸ وفات نمود و در بغداد مدفون شد (محلّاتی، ۱۳۶۸، ج ۴، ۲۵۶).



۱-۳- فاطمه والده سید مرتضی علم الهدی

فاطمه والده سید مرتضی علم الهدی، دختر حسن بن احمد بن حسن بن علی بن حسن بن عمر بن علی بن الحسین علیه السلام از بانوان فاضله و دانشمند عصر خود بود، که با چند واسطه به امام معصوم علیه السلام می‌رسد (دوانی، ۱۳۶۲، ج ۳، ۲۶۸). شیخ مفید برای این بانوی با عظمت ارادت خاصی قائل بود، به گونه‌ای که هرگاه بر وی وارد می‌شد، به احترام ایشان تمام قد از جای خویش بر می‌خواست. همچنین شیخ مفید کتاب «احکام النساء» خویش را در راستای پاس‌خگویی به زنان از جمله ایشان به نگارش در آورد. ایشان در اول کتاب می‌نویسد: «دانستم من از احوال این بانوی محترمه جلیله دانشمند که خدایش بر عمر و عزتش بیفزاید به این‌که راغب است بر کتابی که جمیع احکامی که همه مکلفین به آن محتاج‌اند، بالاخص جماعت زنان که به آن احکام مختص‌اند، از قبیل حیض و نفاس و استحاضه و حضانت اولاد و حسن تعبد. لذا این کتاب احکام النساء را به جهت ایشان تألیف کردم.» (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ۳)

ایشان علاوه بر وجود پاک و متقی خویش، نقش مؤثری در تربیت فرزندان نمونه داشته است؛ به گونه‌ای که آنان از استوانه‌های علوم و فرهنگ شیعی محسوب می‌شوند. در کتاب الدرجات الرفیعه آمده است: «شیخ مفید در عالم رؤیا دید سیده زنان عالم، فاطمه زهرا علیها السلام در حالی که دست حسنین علیهم السلام را گرفته داخل مسجد کرخ شد و بر شیخ مفید سلام کرد و فرمود: این دو فرزند مرا علم فقه بیاموز. شیخ مفید از خواب بیدار شد و غرق تعجب بود تا آفتاب طلوع کرد. بناگاه دید فاطمه دختر حسن بن احمد، دست سید مرتضی و سید رضی را گرفته وارد مسجد شد. چون به نزد شیخ رسید گفت: این دو فرزند مرا علم فقه بیاموز. شیخ چون این سخن را شنید گریه کرد و خواب خود را نقل نمود و آن خانم را احترام فرمود و متولی تعلیم آن دو بزرگوار گردید.» (مدنی شیرازی، ۱۳۵۵، ۴۳۱؛ محلاتی، ۱۳۶۸، ۱۲۷).

۱-۴- شهناز دختر عضدالدوله

دختر عضدالدوله مهم‌ترین فرمانروای آل بویه (در سال ۳۶۹) اهل شهر شیراز بود. وی دارای شخصیتی فاضله و فرهیخته بود، که به دلیل تسلط به ادبیات و زبان عربی، در اوج فصاحت و بلاغت به وعظ و خطابه به زبان عربی می‌پرداخت. در این عصر نقش ترجمه در توسعه و نشر فرهنگ اسلامی در برخی از مراحل به مراتب از تألیف بیشتر و موثرتر بوده است. چرا که ترجمه، فرهنگ و تمدن اسلامی را از مرزهای قومی و زبانی عبور داده و آن را

در خزانه‌ی سایر فرهنگ‌های بشری جای داد و در آن‌جا توان رشد در محیط‌های فرهنگی متفاوت با فرهنگ اسلامی را یافت و توان شاخ و برگ زدن در جهاتی دیگر را بدست آورد (سجادی، ۱۳۶۷، ج ۱، ۱۸۰).

شهنواز دختر عضدالدوله با ازدواج با شخصی به نام، که از بزرگان وقت و اشراف جامعه بغداد آن روزگار بود، توانست صاحب نفوذ شود. در واقع این بانوی با کمالات، با بهره‌گیری از نفوذ و قدرت خویش در دستگاه خلافت، توانست به خوبی در نشر و گسترش علوم، معارف و سنت‌های اسلامی شیعی - ایرانی، در قالب‌های گوناگون ارتباطی از جمله پاسخ به سوالات دینی، وعظ و خطابه، به صورت مستقیم و غیر مستقیم در جامعه‌ی آن عصر تأثیرگذار باشد. خدمات متعدد علمی وی هنگامی که با تسلط به ترجمه زبان عربی همراه می‌شد، دستاوردهای بسیار ماندگاری را حاصل کرد، که در چندین قرن موجب توسعه‌ی فرهنگ و تمدن اسلامی شد.

۱-۵- فاطمه دختر هارون

روایت و نقل احادیث اهل بیت علیهم‌السلام مهم‌ترین فعالیت بانوان این سده بوده است. دختر هارون بن موسی بن فرات، به نام فاطمه خاتون، از بانوان اهل مکه بود. وی به دلیل نقل روایات اهل بیت علیهم‌السلام از راویان حدیث و فردی مورد وثوق و اطمینان به شمار می‌رود. از این رو تأثیرات فراوانی در تعمیق و گسترش معارف اهل بیت علیهم‌السلام داشته است. تلعبیری از محدثان نامدار شیعه قرن چهارم، از این بانو حدیثی روایت کرده: «از جد خود موسی بن فرات شنیدم که می‌گفت: محمد بن ابی عمیر (از اصحاب اجماع) کتاب عبیدالله بن علی حلبی (محدث شیعی قرن دوم و از اصحاب امام صادق علیه‌السلام) را برای من روایت و قرائت کرد.» (مامقانی، ۱۴۳۱، ج ۳، ۸۲؛ الموسوی الخوئی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ۱۹۸) شیخ طوسی از این بانوی بزرگ نقل روایت نموده و ایشان را در زمره افرادی قرار داده است که از غیر معصوم نقل روایت نموده و در نشر و گسترش حدیث و معارف اسلامی شیعی نقشی مؤثر داشته است (طوسی، بی تا، ج ۲، ۲۳۴؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۲، ۴۵۸؛ حسون، ۱۴۲۱، ۵۹۲). این امر حکایت از نقش مفید این بانوی مکرمه در تثبیت و تعمیق فرهنگ و تمدن اسلامی و انتقال آن به سایر قرون دارد. چرا که نه تنها در نقل احادیث نقش مؤثری داشته، بلکه در حفظ و حراست از آثار مکتوب اصحاب و علمای آن روزگار نیز کوشیده است.

۱-۶- جبله دختر مصفح عامری

دختر مصفح عامری، به نام جبله، از دیگر راویان حدیث در قرن چهارم هجری به



شمار می‌رود. وی از پدر خویش، که در نقل و نشر روایات علی بن ابیطالب علیه السلام اهتمام ویژه داشت، نقل روایت کرده است. همچنین وی از افرادی چون عبدالرحمن بن حاطب بن ابی بلتعنه از یاران باوفای حضرت علی علیه السلام نیز نقل روایت نموده است. جبله به قدری در نقل روایت دقت داشت که روایات او محل رجوع سایر علمای عصر نیز محسوب می‌شد. چنان‌که به دلیل وثاقت او افراد متعددی چون فضیل بن مرزوق (الذهبی، بی تا، ۳، ۳۶۲) و راوی شیعه قرن چهارم ابو علی محمد بن اشعث کوفی (ضمیری، ۱۳۸۲، ۳۶۴) از این بانوی معظمه احادیث کثیری را روایت نموده‌اند (دخیل، ۱۳۸۰، ج ۱، ۱۸۸؛ العسقلانی، ۱۴۲۵، ج ۱۲، ۴۳۴؛ حسون، ۱۴۲۱، ۲۸۲). از این رو روایات متعدد این بانوی عالم بزرگ، در فهم و گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی شیعی نقش مؤثر و محوری داشته است.

۲. عرصه‌های سیاسی و اجتماعی

فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی از جمله عوامل قوت گرفتن شیعیان در سده چهارم هجری، در ایران و عراق است که در قالب ترویج و برپایی مراکز علمی و آموزشی چون کتابخانه‌ها، مدارس، مساجد و برپایی مراسم مذهبی شیعی از سوی حکومت وقت در مراکز مهم حکومت اسلامی تبلور یافته. با به قدرت رسیدن آل بویه، نه تنها شیعیان توانستند مراسمات مذهبی خود را به صورت آشکار برگزار نمایند، بلکه در برگزاری این برنامه‌ها از سوی دستگاه خلافت پشتیبانی می‌شدند. به همین دلیل در این دوران آیین‌های مذهبی تشیع با شکوه و جلال خاصی انجام می‌گرفت (موسوی، بی تا، ۲۱۰).

بنابراین در زمان آل بویه، شیعیان اجازه‌ی تظاهر علنی عقایدشان بدون نیاز به تقیه، را یافتند. شیعه امامیه به عنوان نمونه و الگوی سایر مذاهب تشیع در حکومت آل بویه محسوب می‌شد. مذاهب دیگر شیعه شامل شیعه‌ی اسماعیلیه در مصر و شام نیز در این دوره توانستند به اجرای علنی شعائر خویش بپردازند (ابن‌کثیر، بی تا، ج ۱۱، ۲۴۳).

ورود زنان در عرصه‌هایی فراتر از محدوده خانواده و مسئولیت‌پذیری در اجتماع و انجام فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی مختلف، از مسائلی است که با ظهور اسلام رنگ و بوی دیگری به خود گرفت. روند تحول در مسئولیت‌های سیاسی و اجتماعی بانوان در طول تاریخ کند و همواره با حساسیت همراه بوده است. در پی ظهور اسلام، رویه‌ها و قواعد متحجرانه نسبت به زنان به شدت منع شد و قرآن و سنت رویه‌های حمایت‌گونه از مسئولیت‌های زنان را ارتقا بخشیدند.

فعالیت زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، مورد توجه همه‌ی فرق اسلامی قرار

داشته است. زیرا یکی از شاخصه‌های پیشرفت جامعه، تشریک مساعی زنان با مردان در عرصه فرهنگی و سیاسی - اجتماعی بوده که در معارف شیعی به طور مبسوط بدان اشاره شده است.

از جمله بانوان شیعی فعال در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی در سده چهارم عبارت است از:

۲-۱- سیده ملک خاتون

سیده ملک خاتون یا شیرین‌دخت اسپهبد رستم طبری معروف به ام‌الملوک، از فرمانروایان آل بویه بود، که نقش مؤثر وی در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی عصر خود در تاریخ ماندگار شد (آلتونجی، ۲۰۰۱، ۱۰۹). او اولین زن حکومت‌گر شیعی مذهب در تاریخ ایران و از خاندان باوندیان طبرستان بود. وی همسر فخرالدوله دیلمی و همچنین مادر دو تن از شاهان آل بویه است. پس از مرگ همسرش، اداره امور به ملکه فخرالدوله واگذار شد و تا پایان عمر خود در ۴۰۷ هجری حکومت کرد (ثعالبی، ۱۴۰۳، ج ۱، ۵۳ - ۱۱۹؛ تنوخی، ۱۳۹۱، ج ۱، ۱۰۳؛ خزرچی، ۱۹۶۵، ۶۱۰). شخصیت و نفوذ والای سیده خاتون در سیاست و حکومت موجب شد در ابعاد دیگر نظیر بعد علمی، فرهنگی، مذهبی و مدیریتی نیز تأثیرگذار بوده و خدمات مؤثری به عالم اسلام ارائه دهد. از این رو ایشان را زنی ملک‌زاده، عقیقه، زاهد و ملقب به ام‌الملوک نامیدند (عنصرالمعالی، ۱۳۷۴، ۱۰۴؛ زرین‌کوب، ۱۳۹۰، ۴۴۹؛ عتبی، ۱۳۴۵، ۳۵۸). ملک خاتون با تسلط و حکومت بر قلمرو وسیعی از ایران (بیهقی، ۱۳۶۲، ۲۶۳) زمینه‌سازی‌های سیاسی - اجتماعی گسترده‌ای در گسترش علوم و معارف اسلامی فراهم نمود. از جمله تأسیس کتابخانه‌ای غنی، که ابن سینا، فیلسوف معروف شیعه، مدت‌ها از کتاب‌هایش، که بیشتر در علم نجوم و حکمت بود، استفاده کرد (ابن اثیر، ۱۹۸۹، ج ۹، ۲۰۷). این خدمات تنها بخشی از خدمات مفید این بانوی بزرگ است که بدلیل جایگاه ویژه‌ای که در دستگاه خلافت آن روزگار داشت، توانست در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی، در تعمیق، تثبیت و گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی ماندگاری‌هایی را ایجاد نماید که قرن‌ها ملموس بود.

۲-۲- ست الملک

بانوی دیگری که در این قرن توانست در عرصه‌های سیاسی اجتماعی خدمات شایانی را به فرهنگ و تمدن اسلامی شیعه ارائه نماید، ست الملک دختر العزیز بالله نزار بن المعز لدین الله فاطمی علوی بود. وی دارای عقل، دانش، قوت قلب و رأی صائب بوده و در امر سلطنت شرکت و از نفوذ بالایی برخوردار بود. او توانست چهار سال با قدرت و عدالت، خود را



محبوب عصر خویش ساخت و سرانجام سال ۴۱۵ در مصر وفات یافت. ست الملک با قدرتی که در زمینه‌ی سیاسی - اجتماعی داشت، در زمینه‌ی گسترش علوم اسلامی چندین مدرسه بنا کرد و مدرسین و علمای شیعه را در آنجا استقرار داد. وی با احداث مراکز علمی - اسلامی در صدد بود بوسیله‌ی پرورش افراد متعدد با فرهنگ شیعی، موجبات نشر و تعمیق این معارف را فراهم آورد. همچنین در اقداماتی شرعی ممنوعیت خواندن نماز تراویح، ممنوعیت خوردن و بیع جزجیر و ماهیان بدون فلس، تخریب و ممنوعیت فعالیت معبد و کنایس نصارا و یهود و بنای مساجد را انجام داد. (خراسانی فدائی، ۱۳۶۲، ۱۰۵؛ بورده‌ی، ۱۳۶۴، ۷۵). این ممانعت در راستای گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی شیعی و جلوگیری از نشر معارف سایر ادیان و فرق بود.

۲-۳- ام‌العزیز

ام‌العزیز مادر‌العزیز بالله، بانوی شیعه‌ی فاطمی بود. این بانوی با فضیلت به دلیل جایگاه، ارتباط و نفوذ گسترده‌ای که در دستگاه حکومت فاطمی داشت، خدمات بسیار قابل توجهی در نشر و گسترش علوم و معارف و فرهنگ و تمدن اسلامی شیعی ارائه کرد. از خدمات او تأسیس مسجد جامع‌الاولیا در سال ۳۳۶، بنای خزانه‌ی کتاب و مدرسه‌ی منازل العز در مصر و... بود. وی با ایجاد مراکز علمی چون کتابخانه و مدرسه علمیه، توانست بستری مناسب برای نشر و گسترش علوم، تمدن و فرهنگ اسلامی و شیعی و تربیت افراد و علمای بسیاری در علوم و معارف گوناگون فراهم نماید. مصر که در آن زمان از قلمروهای بزرگ و مهم اسلامی به شمار می‌رفت، با احادیث این مراکز تعلیم، تعلم و عبادی، می‌توانست توجهات عالم اسلام را در اقصا نقاط جهان به خود جلب نماید و از این طریق و با این اقدامات، تعمیق، تثبیت، نشر و گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی شیعی را فراهم نماید.

۳. عرصه فرهنگی

فعالیت‌های فرهنگی از پایه‌ای‌ترین عوامل رشد و توسعه‌ی تمدن اسلامی در سده چهارم است. ساخت مراکز علمی و فرهنگی همچون کتابخانه، احداث مساجد، انجام وعظ و خطابه، پاسخگویی به سوالات دینی و... به تدریج تحول یافت و به موازات آن، تمدن اسلامی رونق بیشتری گرفت. امکانات مالی گسترده‌ای که در اختیار وزیران فرهنگ دوست بود، آن‌ها را در کنار جذب عالمان به دربار خود، به سمت توسعه‌ی کتابخانه کشاند.

اسلام شیعی از غنای کافی برای تمدن‌سازی برخوردار است. رسیدن به تمدن نوین اسلامی با تولید فرهنگ بر اساس ارزش‌های اسلامی امکان‌پذیر است. فرهنگ دینی زمانی که به فرهنگ جامعه‌ای تبدیل شود، قدرت تحوّل آن جامعه را می‌یابد و شرایط ایجاد تمدن اسلامی را مهیا می‌کند.

بانوان با شناخت صحیح از تمدن اسلام، جایگاه خود در این تمدن و تکیه بر ارزش‌های اسلامی را در تولید فکر دینی شناخته و از این رو به نشر و گسترش تعالیم اسلامی شیعی همت گماردند. بانوان شیعه قرن چهارم نیز از این امر مستثنی نیستند. ایشان در نهادینه‌سازی فرهنگ شیعی در آن عصر، موجب گسترش و تعمیق آموزه‌های قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام شدند. از این رو علاوه بر فعالیت بانوان این عصر در عرصه‌های مختلف علمی، سیاسی و اجتماعی، بانوان متعددی در این قرن به فعالیت‌های گوناگون فرهنگی پرداختند. از جمله آن‌ها عبارت است از:

۳-۱- خدیجه دختر موسی بن عبد الله

خدیجه دختر موسی بن عبد الله، از جمله بانوان فعال در عرصه فرهنگی سده چهارم هجری است. خدیجه خاتون از بانوان صالحه، دارای فضل و کمالات بسیاری بود، که به عنوان بانوی راوی حدیث در قرن چهارم شناخته می‌شود. وی با تبخّر و تخصّص خاص در وعظ و خطابه، به گسترش و نشر علوم و معارف اسلامی شیعی پرداخته و به «بنت البقال» شهرت یافت. او از بانوان تأثیرگذار عصر خویش و از روایان حدیث اهل بیت علیهم‌السلام بود (بغدادی، ۲۰۱۱، ج ۴، ۱۹۶) که در زمانه‌ی خویش افرادی بسیاری برای دریافت احادیث اهل بیت علیهم‌السلام به ایشان رجوع می‌کردند. همچنین خدیجه خاتون از خطبا، مشایخ فقها و محدثان و تاریخ‌نگاران بغداد محسوب می‌شود. وی در حدود سال‌های ۴۳۷ از دنیا رفت (فقیهی، ۱۳۹۰، ۱۲۰). خدمات فرهنگی ایشان به عالم اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی شیعی به قدری بود که حتی بعد از وفات، معارفی که در نشر و گسترش آن سال‌ها تلاش نمود، مانا بود.

۳-۲- دختر صاحب بن عباد

بانوی دیگری که از او در عرصه خدمات فرهنگی دستاوردهای متعددی به عالم اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی شیعی ارائه شده، تنها فرزند دختر صاحب بن عباد است. وی زنی فاضله، ادیبه و شیعه بود که از محضر پدر علوم و فنون ادب را فرا گرفت و فضل و دانش را از او به میراث برد. فعالیت‌های علمی وی که هم جهت و همراه با فعالیت‌های علمی



پدرش بود، عبارتند از: کتابت در زمان دیلمیان، رساندن نظم و نثر عربی به اوج وسعت و کمال، تأسیس کتابخانه‌های بسیاری در ری، اصفهان و... که بخشی از فعالیت‌های او در گسترش علوم اسلامی بود. (ترکمنی آذر، ۱۳۸۵، ۲۵۸؛ ریاحی، ۱۳۶۸، ۱۱۸). همانگونه که بیان شد فعالیت این بانوی شیعی تنها در نگارش و کتاب محدود نبود، بلکه با تأسیس مراکز بزرگ علمی در مهم‌ترین شهرهای آن عصر، به طرز شگفت‌آوری موجب تعمیق، تثبیت، نشر و گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی شده بود.

۳-۳- جمیله دختر ناصر الدوله

جمیله خاتون، دختر ناصر الدوله بن حسن بن عبد الله بن حمدان بن حمدون تغلبی، بانوی با فضیلت دیگری است که نقش مؤثری در نشر و گسترش علوم و معارف و فرهنگ و تمدن اسلامی شیعی داشته است. مادر وی فاطمه بنت احمد کردویه است که او نیز بانویی با فضیلت و کمالات بود.

از جمله خدمات و اقدامات فرهنگی این بانوی فاضله می‌توان به تلاش در نشر و گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی در اماکن اسلامی و برای جمع‌گیری از مسلمانان نام برد. به عنوان نمونه در سال ۳۶۶ در مکه مکرمه و در زمانی که مسلمانان بسیاری برای انجام مناسک حج به زیارت مکه معظمه رفتند، با خیرات زیاد در بین زائرین، به نشر معارف و فرهنگ و تمدن اسلامی و شیعی می‌پرداخت. از این موارد پخش شربت به حجاج، بخشش به زائرین بیت الله الحرام، آزاد نمودن بیش از سیصد غلام و دویست کنیز، بخشیدن پانصد رأس راحله به پیادگان حجاج و... را می‌توان نام برد. وی سرانجام در سال ۳۶۹ دارفانی را وداع گفت (مسکویه، ۱۴۱۹، ج ۲، ۴۰۴؛ اتابکی، ۱۳۸۳، ج ۲، ۵۰۹). گرچه جمیله خاتون به شخصه کتابی ننگاشت و یا روایتی را نقل نکرد، اما در مکان‌ها و زمان‌های مختلف از جمله زمان حج که محلی برای گردهمایی هر ساله مسلمانان است، معارف اسلامی شیعی و فرهنگ و تمدن اسلامی را گسترش داده و به نسل‌ها و عصرهای بعدی منتقل نمود. در این بین حتی با رافت اسلامی و اهدای هدایای متعدد در زمان حج به حجاج، جلوه‌هایی از ابعاد اخلاقی اسلام را به نمایش گذاشت. شاید بتوان گفت این ارائه عملی احکام و معارف اسلامی شیعی، در آن روزگار از نگاشتن کتب و نگاشته‌های متعدد مؤثرتر بود.

۳-۴- خوله خواهر سیف الدوله حمدانی

خوله خواهر سیف الدوله حمدانی از جمله بانوانی بود که در عرصه فعالیت‌های سیاسی

اجتماعی سده چهارم با نفوذ گسترده‌ای که در دستگاه خلافت و سلطنت داشت، توانست فعالیت‌های متعددی را تقدیم جامعه اسلامی آن روزگار نماید. بخشیدن صله، هدایا و عطایای او به نیازمندان متواتر بود. (البرقوقی متنبری، ۱۴۲۸، ج ۱، ۱۳۹) با درگذشت خوله، گویی هرگز موبکی با احتشام او ناحیه دیار بکر را گذر نکرده و به مردم بذل و بخشش ننموده است. ایشان سرانجام در سال ۳۵۲ وفات نمود (محلّاتی، ۱۳۶۸، ج ۴، ۲۰۸). جود و سخای این بانوی با عظمت در راه اسلام، گویای تلاش وی در ارائه اسلام در بُعد عمل است. دستاوردهای مختلف وی در حمایت‌های مالی و بخشش‌های متعدد، جلوه‌هایی از خدمات فرهنگی این بانوی والا مقام به نشر و گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی شیعی به صورت علمی بود.

۴-۵- تقیه (امیره تقیه) حمدانی

بانوی با عظمت دیگری که در سده چهارم تلاش‌های بسیاری در عالم اسلامی داشت، دختر امیر سیف الدوله ابی الحسن علی بن عبد الله بن حمدان، به نام تقیه (امیره تقیه) حمدانی است. این بانوی با فضیلت و کمالات دستی توانا در ادبیات، عرفان و اشعار عربی داشت. علم ادبیات و فن شعر را نزد دانشمندترین علمای دربار آن روزگار فرا گرفت (صادقی اردستانی، ۱۳۷۵، ۲۸۰؛ شریف الرضی، بی تا، ج ۱، ۵۱۳). وی با بکارگیری از فن ادبی و اشعار مختلفی که در مدح اهل بیت علیهم السلام داشت، موجب تعمیق، تثبیت و نشر فرهنگ و تمدن اسلامی گشت. چرا که از این طریق معارف اسلامی شیعی بهتر و بیشتر نفوذ پیدا کرده و گسترش می‌یافت.

نتیجه‌گیری

رشد و بالندگی زنان در پرتو آیین اسلام، جای تردید ندارد. یافته‌های پژوهشی از وضعیت و نقش علمی زنان شیعه سده چهارم، در تثبیت و تعمیق علوم و فرهنگ و تمدن اسلامی عبارتند از:

فعالیت‌ها و خدمات بانوان شیعه قرن چهارم در زمینه‌های حکمرانی، خطابه و سخنرانی، روایت احادیث رسول خدا و ائمه اطهار علیهم‌السلام، تأسیس مراکز علمی مانند کتابخانه، مدرسه و مسجد، شرکت در جهاد یا تشویق مردان به شرکت در مبارزه و جهاد، شعر و مرثیه و حضور در عزاداری و ذکر مصیبت خاندان رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، احتجاج و پاسخگویی به سؤالات و... که در آن حضور پررنگ داشته و تأثیرگذار بودند.

بانوان شیعه در قرن چهارم، در راه گسترش علوم و فرهنگ و تمدن اسلامی شیعی، مجاهدت‌های فراوانی به ثمر رسانده و از هیچ کوشش حمایتی و پشتیبانی فروگذار نکردند و میراث‌دار خوبی برای علوم اسلامی بوده و این امانت را به بهترین نحو، به نسل بعد منتقل نمودند.

نگارش غالب اتفاقات و وقایع تاریخی توسط مردان، یکی از مهم‌ترین ادله‌ای است که موجب شده، فعالیت و کوشش‌های متعدد و گوناگون بانوان به نگارش در نیایند و یا زوایای زندگانی مؤثر ایشان پنهان بماند و در کتب تاریخی، علمی، و... ثبت نگردد. در نتیجه نقش ماندگار ایشان در نشر و گسترش معارف و فرهنگ و تمدن اسلامی در لابه‌لای مطالب فراوان مربوط به مردان، ناپدید گردد. اما معمولاً بانوانی که با دستگاه‌های خلافت و حکمرانی ارتباطی وثیق داشتند، از این امر مستثنی بوده و فعالیت‌های ایشان در تاریخ قالباً به ثبت رسیده است.

بررسی فعالیت‌ها، استعدادها و توانمندی‌های متعدد بانوان در قرون متمادی، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم و در راستای نشر، حفظ و تعمیق فرهنگ و تمدن اسلامی شیعی، می‌تواند الگویی مناسب برای بانوان معاصر گشته، تا با شناخت نوع و سطح فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی، علمی و... بانوان، بتوانند در عرصه‌های گوناگون اثرگذار باشند. همچنین حجت برای مردان در تصحیح نگرش خود به توانایی‌های نیمه‌ی دیگر اجتماع در تعقیب و ادامه راه روشن ولایت باشد و تأثیر شایسته‌ی خویش را در احیا و گسترش تشیع برجای گذارد.

کتاب‌نامه

- قرآن کریم
- الابرقوقی متنبی، احمد بن حسین (۱۴۲۸)، *دیوان المتنبی*، بیروت: دارالکتب العربیه.
- ابن اثیر، علی بن ابی الکریم (۱۹۸۹)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر.
- ابن الجوزی، ابوالفرج (۱۴۱۲)، *المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن العماد الحنبلی، شهاب الدین (۱۹۹۸)، *شذرات الذهب*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۳)، *تاریخ ابن خلدون*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات.
- ابن خلکان، احمد بن محمد (بی تا)، *تاریخ ابن خلکان*، بیروت: دارصادر.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۹۸۹)، *البدایه و النهایه*، بیروت: دارالفکر.
- اتابکی، جمال الدین یوسف (۱۳۸۳)، *النجوم الزاهره*، قاهره: وزاره الثقافه و الارشاد.
- اردبیلی، محمد بن علی (۱۴۰۳)، *جامع الرواه*، بیروت: دار الاضواء.
- اسلامی ندوشن، محمد علی (۱۳۸۶)، جایگاه زن در دستگاه خلافت عباسی و نقش ایرانیان در این جایگاه، *فصلنامه هستی*، دوره سوم، سال یکم، شماره ۲۸ و ۲۹، صص ۱۶ - ۳۲
- آلتونجی، محمد (۲۰۰۱)، *معجم اعلام النساء*، بیروت: دارالعلم للملایین.
- ایوب، ابراهیم (۱۹۹۷)، *التاریخ الفاطمی الاجتماعی*، لبنان: العالمیه للکتب.
- بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۲)، *الخصال*، قم: نسیم کوثر.
- بغدادی، خطیب (۲۰۱۱)، *تاریخ بغداد*، بیروت: دارالعلم.
- بوردهی، ویلیام (۱۳۶۴)، *تحقیقی در آیین اسماعیلیه*، ترجمه زهرا سعیدی، مشهد: تابناک.
- بیهقی، محمد بن حسین (۱۳۶۲)، *تاریخ بیهقی*، تهران: خواجه.
- ترکمنی آذر، پروین (۱۳۸۹)، *دیلیمان در گستره تاریخ ایران*، تهران: سمت.
- تنوخ، محسن بن علی (۱۳۹۱)، *نشوار المحاضره و اخبار المذاکره*، بیروت: شالچی.
- ثعالبی، عبدالملک بن محمد (۱۴۰۳)، *بیتیمه الدهره*، بیروت: چاپ مفید.
- جوینی، شمس الدین محمد (۱۳۷۶)، *تاریخ جهانگشای جوینی*، تهران: ارغوان.
- حسون، محمد (۱۴۲۱)، *اعلام النساء المومنات*، تهران: اسوه.
- خراسانی فدائی، محمد بن زین العابدین (۱۳۶۲)، *تاریخ جماعت اسمعیلیه: هدیات المومنین الطالبین*، تهران: اساطیر.
- خزرچی، موقد الدین (۱۹۶۵)، *عیون الانباء فی طبقات الاطباء*، بیروت: نزار رضا.
- دخیل، علی محمد علی (۱۳۸۰)، *اعلام النساء*، بیروت: دارالهادی.
- دوانی، علی (۱۳۶۲)، *مفاخر اسلام*، تهران: امیرکبیر.
- الذهبی، ابو عبدالله (بی تا)، *میزان الاعتدال*، بیروت: دارالفکر.
- رمضان، عبدالعظیم (۱۹۹۳)، *تاریخ مصر الاسلامیه*، مصر: الهیئه المصریه.
- ریاحی، محمد حسین (۱۳۷۵)، *مشاهیر زنان اصفهان*، اصفهان: فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۹۰)، *روزگاران*، تهران: انتشارات سخن.
- سجادی، صادق (۱۳۶۷)، *آل بویه در دائره المعارف بزرگ اسلامی*، تهران: دائره المعارف اسلامی.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (بی تا)، *دیوان الشریف الرضی*، بیروت: الاعلمی.
- صادقی اردستانی، احمد (۱۳۷۵)، *زنان دانشمند و راوی حدیث*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- صدر، سید الحسن (۱۳۸۱)، *تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام*، بغداد: النشر و الطباعه.
- صنهاجی، ابی عبدالله محمد (۱۳۷۸)، *اخبار ملوک بنی عبید و سیرتهم (تاریخ فاطمیان)*، تهران: امیرکبیر.



- ضمیری، محمدرضا (۱۳۸۲). *کتاب شناسی تفصیلی مذاهب اسلامی*، قم: موسسه مذاهب اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *الغیبه*، تهران: مکتبه نینوی.
- عتبی، محمد بن عبدالجبار (۱۳۴۵). *تاریخ یمنی*، تهران: نشر کتاب.
- العسقلانی، ابن حجر (۱۴۲۵). *تهذیب التهذیب*، ریاض: مکتبه اضواء السلف.
- عنصرالمعالی، کیکاووس (۱۳۴۷). *قابوس نامه*، تهران: فروغی.
- فقیهی، علی اصغر (۱۳۹۰). *تاریخ آل بویه*، تهران: سمت.
- کاهن، کلود (۱۳۸۳). *اسلام (منذ نشوئه حتی ظهور السلطنه العثمانیه)*، بیروت: منظمه العربیه.
- کرمر، جوئل (۱۳۷۵). *احیای فرهنگی در عهد آل بویه* (انسان گرایی در عصر رنسانس اسلامی)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مامقانی، عبدالله (۱۴۳۱). *تنقیح المقال فی علم الرجال*، قم: موسسه آل بیت (ع).
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحارالانوار*، بیروت: الوفاء.
- محلاتی، ذبیح الله (۱۳۶۸). *ریاحین الشریعه*، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- مدنی شیرازی، سیدصدرالدین (۱۳۵۵). *درجات الرفیعه فی طبقات الشیعه*، قم: مکتبه البصیرتی.
- مدنی کاشانی، رضا (۱۳۸۶). *رساله حجابیه*، کاشان: شمس.
- مسکویه، احمد بن محمد (۱۹۱۴). *تجارب الامم*، مصر: مطبعه الصناعیه.
- مقریزی، تقی الدین (۱۴۱۸). *المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- موسوی، سید حسن (بی تا). *زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد*، تهران: بی جا.
- الموسوی الخوئی، ابوالقاسم (۱۳۷۴). *معجم رجال الحدیث*، مشهد: آستان قدس رضوی.
- نعمان، محمد بن محمد (شیخ مفید) (۱۴۱۳). *احکام النساء*، قم: الموترم العالمی لالفیه.
- نوبختی، حسن بن موسی (۱۳۸۶). *فرق الشیعه*، تهران: علمی و فرهنگی.
- واکر، پلای (۱۳۸۳). *پژوهشی در یکی از امپراتوری های اسلامی: تاریخ فاطمیان و منابع آن*، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: فرزانه روز.